

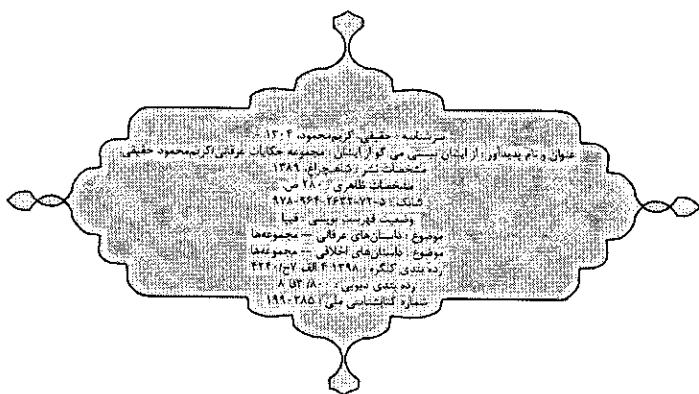
مجموعه
حکایات عرفانی

از ایشان نیستی می‌گو از ایشان

استاد کرامت‌محمود خاکی

www.ketab.ir





از ایشان نیستی می گویا ایشان

مجموعه دست‌نوشته‌های میر غلام

استاد کریم محمود حقیقی



ناشر : انتشارات شاهچراغ

ناظر چاپ : عبدالرسول پیراسته

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۲

چاپ : پرستش

قیمت : ۷۹۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۳۲-۷۲-۵

© کلیه حقوق محفوظ و مربوط به انتشارات ارمان طوبی است.

یادداشت ناشر

کتابی که در پیش رو دارید، شامل جلد اول و دوم «از ایشان نیستی می‌گو از ایشان» می‌باشد. جلد اول این کتاب که شامل ۱۹۲ حکایت اول کتاب است، قبلاً توسط ناشر دیگری به چاپ رسیده بود و وقتی چاپ جلد دوم این کتاب به انتشارات ارمغان طوبی واگذار شد، به استاد گرانقدر جناب آقای کریم محمود حقیقی پیشنهاد دادیم تا برای جلوگیری از پراکندگی مطالب در دو کتاب و سهولت مطالعه و صرفه‌جویی در هزینه و کاهش قیمت کتاب، هر دو جلد در هم ادغام شوند که ایشان با بزرگواری پذیرفتند.

از این رو کتاب شامل دو دیباچه است، چرا که هر چه سعی کردیم یکی از این دو را به عنوان دیباچه کتاب انتخاب کنیم دلمان راضی به حذف آن دیگری نشد.

امیدواریم تلاش این انتشارات در ارائه این مجموعه مقبول طبع دوستداران و خوانندگان آثار استاد باشد.

ای برادر قصه چون پیانده است معنی اندروی بیان دانه است
دانه معنی بکیرد اهل عقل شخرد و پیانده را کرکشت نقل



ساکالی را گفت آبی مرد کن چند از مردان حق گوئی سخن
گفت خوش آید زبان را به دنیا تا بخود ذکر ایشان را دما
مکن دارم از بکر جسته نام بھر این بی بس که در کام زهر
گرفتی ام زیشان از ایشان گفته ام خوشدم کاین قصه از جان جدا



این سخن آبی است از دیای بی پایان عشق تاجان را آب بخند جسم را جان دهد

فهرست مطالب

۵	• یادداشت ناشر
۱۹	• دیباچه جلد اول
۲۳	• دیباچه جلد دوم
۲۳	غذای روح
۲۵	تعطیل مسند قضاوت
۲۶	نماز ریایی
۲۷	هنگام مرگ
۲۸	شفا با صدقه
۲۸	هم‌نشین با اهل قبور
۲۹	ولهان مجنون
۲۹	دیوانگی در عشق
۳۰	محبت، محنت و مخنت
۳۱	باز ماندن از حق
۳۱	غریب کیست؟
۳۲	علم اشرافی
۳۲	دیدار شوریده‌ای با ابن عربی
۳۵	ادب
۳۶	تعطیل درس

۳۷	توبه
۳۸	طی الارض
۳۹	کرامات و مناجات
۴۰	انس با حق
۴۰	مصاحبت
۴۱	همسر وفادار
۴۱	احوال سه گانه
۴۲	رغبت به دنیا
۴۲	حضور پروردگار
۴۳	شنیدن غیبت
۴۳	دیوانه آیه ای
۴۴	بهار آرزو، بهار
۴۴	چگونه خدا را فراموش کنم
۴۵	پاداش قصیده
۴۶	قطع نظر از مناصب
۴۷	خنده بیهوده
۴۸	سبب بیماری
۴۸	بیداری با آیه ای
۴۹	برکت خوبان
۴۹	اندرز فضیل به هارون الرشید
۵۰	عارف زنجیری
۵۱	حلاوت قرائت قرآن
۵۱	سخن چینی
۵۲	توبه پسر حافی
۵۳	اویس قرنی
۵۵	سخنی دیگر از بشر حافی
۵۶	کمال ناتوانی
۵۶	ارزش اطعام
۵۷	اطعام حضرت علی (ع)
۵۸	نماز شب
۵۸	پرداخت بدهی

۶۰	دقت در خوراک حلال
۶۰	دیوانه عشقی به نام سمون
۶۲	انکار
۶۳	قناعت
۶۳	رعایت حقوق
۶۴	بایزید بسطامی
۶۵	نفاق و ریا
۶۶	ترس از شاه
۶۶	گستاخی در پیش هشام
۶۸	تفاخر و خودبینی
۶۸	حجاب حق تعالی
۶۹	تا در اندرون چه داریم
۶۹	گفت و شنودن با یوسف (ع)
۷۰	دنیا
۷۰	سخت‌ترین مصیبت
۷۱	ضمت
۷۱	اندرزی برای ترک حرص
۷۲	کسی با سگی نیکویی گم نگرد
۷۳	میمون واسطی
۷۵	باز شدن در به وسیله حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)
۷۷	نجوایی از ذوالنون مصری
۷۷	پندی به هارون
۷۸	دستور مطالعه کتابی
۷۸	فرج، وسیله ذکر
۷۹	طعام شبهه
۸۰	نانی که زن حائض پخته بود
۸۱	حضور حق تعالی
۸۱	دائرسی ولی عصر (عج)
۸۳	خدمت مادر
۸۴	دعای مادر
۸۵	گزارش ارمنی و کرامت علما

۸۶	مسئولیت در برابر سخن
۸۶	سخنی با سلطان جور
۸۷	آگاهی از ساعت مرگ
۸۸	مذاکره دل و جان
۸۹	تجلی صفات
۸۹	ستایش نادان
۹۰	دوستی برای خدا
۹۱	دستور پرداخت شهریه طلاب
۹۲	توسل به امیرالمؤمنین (ع)
۹۳	توفیق توبه
۹۴	دزدی که به خانه رابعه رفت
۹۶	تولی و تیزی
۹۶	پاداش غیبت
۹۷	مداوا با شواب
۹۷	عدم حضور قلب در نماز
۹۸	تهی دست
۹۹	شکر بر مصیبت
۹۹	اندیشه ریاست
۱۰۰	سبب آزادی رابعه عدویه
۱۰۱	ریش بایزید یا دُم خر
۱۰۱	چاره عشق
۱۰۲	برای قبر آماده شو
۱۰۳	سفری با تهی دستی
۱۰۳	ترجیح علم بر ثروت
۱۰۴	غفلت از نماز
۱۰۵	علاقه در هنگام مرگ ظاهر گردد
۱۰۶	تلقین مختصر
۱۰۶	اندرز رسول الله (ص)
۱۰۷	رفع ریا آسان نیست
۱۰۷	عدم غرور، نسبت به عمل
۱۰۸	بی‌رحمی شیطان

۱۱۰	کرامتی از مرحوم حاج میرزا علی قاضی
۱۱۰	خیال خون در نماز
۱۱۱	قبر مؤمن
۱۱۱	کله بریان
۱۱۲	توجه به حق نه به خلق
۱۱۲	نمونه‌ای از اخلاق خوبان
۱۱۳	احتیاط علامه بحر العلوم
۱۱۴	اخلاق رسول اکرم(ص)
۱۱۴	احتیاط در شرعیات
۱۱۵	احترام به والدین
۱۱۵	قرآن جواهر نشان
۱۱۶	جوانی تائب
۱۱۸	خبر دادن از خیال
۱۱۹	قناعت
۱۲۰	دریغ در هنگام مرگ
۱۲۱	سخن مریم(ع) با عیسی(ع)
۱۲۱	خواب پیامبر(ص)
۱۲۲	احضار روح پدر علامه طباطبایی(ره)
۱۲۳	راه رستگاری از دیدگاه علامه طباطبایی(ره)
۱۲۴	خاطره‌ای از علامه طباطبایی(ره)
۱۲۶	اثر نماز لیلة الدفن
۱۲۶	شیخ انصاری و صاحب جواهر(ره)
۱۲۸	چگونه با وعده‌های خوراک حرام
۱۲۸	چهل شب تهجد ترک می‌شود
۱۲۹	دانش اولین و آخرین
۱۳۰	گرفتاری از حق الناس
۱۳۲	اخلاق بزرگان
۱۳۲	یاری شیخ خضر
۱۳۳	قطع شدن الهام غیبی
۱۳۴	نخستین ارتباط مرحوم علامه طباطبایی(ره)

۳۴	با عالم غیب
۳۴	ارتباط علامه طباطبائی (ره)
۳۴	با حضرت علی بن جعفر (ع)
۳۵	دیدار حور
۳۶	اثر یک وعده‌ای غذای حرام
۳۷	مادر باید این‌گونه باشد
۳۸	سکوت در برابر دشنام
۳۸	رفع اشتباه
۳۹	مبارزه با نفس
۴۰	حلالیت خواستن برای غذای حرام
۴۱	آب آلوده را می‌توان خورد؟!
۴۲	حاجی حقیقی، اندک است
۴۲	میوه قناعت
۴۳	اثر خرزند صالح
۴۴	اثر لقمه حرام
۴۵	قناعت رژی سادو
۴۶	کمند ابلیس برام شیخ انصاری (ره)
۴۷	خضوع
۴۸	توکل به خدا
۴۹	حالت احتضار عالمی متقی از زبان فرزندان
۵۱	پاداش ورع
۵۳	روزی حرام به جای حلال مقدر
۵۳	عشق چیست
۵۴	خیال
۵۶	آخرین سخن
۵۷	نامه‌ای از غزالی طوسی
۵۸	احتیاط مقدس اردبیلی
۵۸	گریه حقیقی
۶۰	ایثار و ترجیح دیگران بر خود
۶۰	خود کم بینی
۶۱	استشفای تربت امام حسین (ع)

۱۶۲		استشفای آیت الله بروجردی
۱۶۲		تأثیر خواندن زیارت عاشورا
۱۶۳		داستانی از ختمات آیت الله آقا نجفی قوچانی
۱۶۶		سوز و گداز آخوند ملا محمد کاشانی
۱۶۶		ارادت به سادات و خضوع شیخ عباس قمی
۱۶۷		فروتنی حضرت عیسی بن مریم(ع)
۱۶۸		لاادری نصف العلم
۱۶۸		نکوهش غیبت
۱۶۹		دام عشق
۱۷۰		گوری در خانه
۱۷۰		مشغول به حق
۱۷۱		خشنودی بر عذاب محبوب
۱۷۳		خبر از مرگ خود
۱۷۴		ولایت امیرالمؤمنین
۱۷۵		پاسخ نامه‌ای از امام رضا(ع)
۱۷۶		آثار تفکر
۱۷۷		مصاحبه با مرحوم آیت الله خسروی
۱۷۸		گوشه‌ای دیگر از مصاحبه آیت الله خسروی
۱۸۰		مصاحبه با استاد محمد تقی جعفری، روزهای آخر عمر عارفی
۱۸۲		اگر از دستی دهی از دست دیگر می‌گیری
۱۸۳		قه‌ر امام(ع) هم از محبت است
۱۸۵		دستور امام خمینی درباره ترکیه نفس
۱۸۶		سحر مبارک
۱۸۷		داستانی از ابوبصیر در توبه
۱۹۰		پندی از یحیی بن معاذ
۱۹۱		تفکری در «ایاک نعبد و ایاک نستعین»
۱۹۳		پدیده و پدیدار
۱۹۳		دیدار عزرائیل
۱۹۴		تشرف آیت‌الله مرعشی نجفی به محضر امام زمان(عج)
۱۹۸		زهد در کنار عشق
۱۹۸		تشرف حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی به محضر امام حسین(ع)

۲۰۲	تأثیر تذکر.....
۲۰۲	تأثیر سخن در دل های آماده.....
۲۰۳	تماشای جمال محبوب.....
۲۰۴	غش در معامله.....
۲۰۵	دیگر نیازمند نشدم.....
۲۰۶	آقای قاضی و صاحب الزمان.....
۲۰۷	دیدار با صاحب الزمان (عج).....
۲۰۸	صبر بر صله رحیم.....
۲۰۹	قتیل الحمار.....
۲۰۹	قاضی، کوهی از بزرگی و مقام توحید بود.....
۲۱۱	شب زنده داری امام خمینی.....
۲۱۲	دشای نیمه شب.....
۲۱۲	زنی تاب.....
۲۱۴	گفتاری از اخوند از حسین قلی همدانی.....
۲۱۵	امام جماعت سیار.....
۲۱۵	خاک سپاری کنار امیر موسی (ع).....
۲۱۶	پیش گوئی حاج میرزا جواد آقا تبریزی (ره).....
۲۱۷	عروس باکره.....
۲۱۷	ترک یک شب زنده داری.....
۲۱۸	مقام استاد.....
۲۱۹	کور بینا.....
۲۱۹	دیداری با حضرت ادریس.....
۲۲۰	دیداری با علی بن جعفر (رضوان الله علیه).....
۲۲۰	حلم.....
۲۲۱	خضوع.....
۲۲۱	گدایی نیمه شب.....
۲۲۳	ظاهر و باطن یک غذا.....
۲۲۴	صورت مثالی میت.....
۲۲۵	آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند.....
۲۲۶	پاسخ پیرزنی به عمرولیث صفاری.....
۲۲۷	اخلاص در عمل.....

۲۲۸	خودبینی، حجاب سلوک
۲۲۸	خلوص
۲۲۹	زهد رسول الله (ص)
۲۲۹	اولین زواری امام حسین (ع)
۲۳۰	شماطه طلاب
۲۳۱	کیمیای خلوت
۲۳۱	شناخت
۲۳۲	کارسازی عارف
۲۳۳	فریادی دلخراش
۲۳۳	نور جان مؤمن
۲۳۴	توجه به حضور قلب دیگران
۲۳۴	ادای قرض
۲۳۵	خوابی شگفت‌انگیز
۲۳۶	دیدار معصومین
۲۳۷	کرامت آیت‌الله بهاء‌الدینی
۲۳۸	اندرز نافذ
۲۳۹	مکاشفه آیت‌الله خویی
۲۴۰	دگرگونی‌های زندگی
۲۴۱	صدای قرآن از قبر
۲۴۱	رزاق بودن حضرت حق
۲۴۲	اثر اشک در مصیبت امام حسین (ع)
۲۴۳	رازق بودن خداوند
۲۴۳	چند سفارش و وصیت از آیت‌الله قاضی
۲۴۵	بشارتی از غیب
۲۴۵	عاشقی از عاشقان پیامبر خدا (ص)
۲۴۶	درس عشق
۲۴۷	عشق با رسول خدا (ص)
۲۴۷	دعای بعد از نماز شب
۲۴۸	عشق به نماز از کودکی
۲۴۸	ندایی از قبر
۲۴۹	دستورالعملی از فقیه و عارف صمدانی، سید ابوالقاسم دهکردی

۲۵۳	آخرین دقایق عمر
۲۵۴	گریه‌های عاشقانه
۲۵۴	جلوه‌های زیبای پرستش
۲۵۵	استغفار
۲۵۵	وعدۀ خداوند به مادر
۲۵۶	وصیت‌نامه حکیم هیدجی
۲۵۷	بعد از مرگ مؤمن
۲۵۸	ایثار
۲۵۸	دریچه‌ای به سوی دل
۲۵۹	عبرت
۲۶۰	اثر سخن
۲۶۱	عزت ز در جوانی
۲۶۲	دنیا دختر باکره
۲۶۲	داستانی از زینت‌ها - فرزند آقای قاضی
۲۶۳	فریادرسی حضرت محمد (ص) (عج)
۲۶۴	تجرد نفس
۲۶۵	بازار الاغ‌فروش‌ها
۲۶۶	راه ترقی و مدارج کمال از علامه طباطبائی
۲۶۷	هدیه خداوند به آدم (ع)
۲۶۸	دلجویی از غیب
۲۶۹	شهید مطهری و نماز شب
۲۷۰	دیدار یار
۲۷۱	حمام متحاب
۲۷۲	هانری کرین و تشیع
۲۷۳	نکته دیگر از امام خمینی (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 فَأَقْصِصْ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

بیاچه جلد اول

روح سرگشته انسانی، گم شده ای در دکه از دیاری دیگر است، این سویی نیست، آشنایی وی در عالم طبیعت با اشیا از راه حواس است، می بیند، می شنود، می بوید، می خواند و می اندیشد. برین گم شده را در این عالم می بوید، حدیثش را می شنود و آثارش را می بیند. وی کاستر ارواحی هستند که راه به مقصد می برند با ذیده ها و شنیده ها آنقدر مشغول می گردند که از محبوب گم کرده باز می مانند.

از ظاهر به باطن بردن، کار همه کس نیست.

﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾

«ظاهری از حیات دنیا را می دانند، ولی از آخرت غافلند.»

از آیه این گونه استفاده می شود که این زندگی دنیا، باطنی در بردارد که

۱. اعراف، ۱۷۶.

۲. روم، ۷.

بیشتر مردم از آن غافلند. عالم طبیعت که ملموس و مشهود است ملکوتی معقول در بردارد که راه رسیدن، گذر کردن و وانماندن در همین مشهود است و امر بر این گذر است.

﴿أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ؟﴾
 «آیا نمی‌نگرند در ملکوت آسمان‌ها و زمین»^۱

بیش از داستان ایثار حضرت ابراهیم خلیل الله، ستاره را در ماه و ماه را در خورشید و خورشید درخشان را در آفریدگار و فاطر آسمان‌ها و زمین خداوند چنین می‌فرماید:

﴿كَذَلِكَ نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾
 «همچنین به ابراهیم می‌نمودیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را تا از این کندگان باشد»^۲

بنابراین رسیدن به این ملکوت است که ما را به سر منزل آرامش بخش یقین می‌رساند، غیب معقول در این عالم محسوس، همان ملکوت است که در آغاز آیات البقره جزو صفات متقین آمده:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾
 «آنان که به غیب ایمان دارند»^۳

هنر، یافتن این عالم غیب است و گرنه جهان محسوس را حیوانات می‌بینند و بسا بهتر از ما هم می‌بینند.

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی^۴
 این عربی را در این مقال، سخنی جالب است که می‌فرماید:

۱. اعراف، ۱۸۵.

۲. انعام، ۷۵.

۳. بقره، ۳.

۴. هاتف اصفهانی

این راهی است به سوی مبدأ، محیی، مرجع و منعم خویش، خواه از درون‌نگری «سیر انفسی» و خواه از بیرون‌نگری «سیر آفاقی» باشد. یکی از مسائلی که این راه را بر ما هموار می‌کند، نگرش در زندگانی بزرگان، کردار، گفتار و حالات آنهاست، روزی که در اکتساب و مصاحبت آشنایان و دید و بازدید آنها و گرفتاری‌ها تمام نشدنی پشت سر می‌گذاریم و فرداهایی چنین را در پیش رو داریم، اگر در این روزها توجهی به آن ملکوت و نگرشی به درون خویش و یادی از آنان که بدین راه رفتند، نداشته باشیم از آن گروهیم که تا پایان عمر در این مهمان سرا ماندند و سلوکی که برای آن آفریده شدند، فراموش کردند.

نگارنده در بسیاری از وراقی که مطالعه کردم در جان خود بسا حالاتی می‌دیدم که دریغ می‌آید که از این خرمن‌های گل، دامنی تقدیم دوستان نکنم، باشد که راه این بوستان گیرند. بزرگی گوید: بسا زندگان که دیدار آنها دل‌ها می‌میراند و بسا مردگان که گفتار آنها، دل را زنده می‌کند.

اهل حال این سخن را در جان خویش نیکو می‌بینند، حالی دارید، توجهی، انسی با دیدار انسانی تیره دل، حال از شما می‌رمد و برعکس با چهره‌ای منور و یا سخنی از صاحب‌دلی، نوری در دل می‌یابید که در گذشته با آن سر و کار نداشتید، این سخن را آیات عظام، آیت الله شهید دستغیب رحمته و آیت الله طالقانی رحمته هر دو داشتند که ما با یک دنیا ناامیدی، نزد حضرت امام خمینی رحمته می‌رویم و چون باز می‌گردیم، قلبمان پر از امید است.

سخنان گهربار امیر مؤمنان علیه السلام است.

دیدار اهل معرفت، آبادانی دل‌ها و استفاده دهنده حکمت است.»^۱

این برای دیدار خوبان و اما برای ذکر ایشان، حضرت رسول ﷺ می‌فرمایند:

«عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ الرُّحْمَةُ»

در یاد نیکوکاران، رحمت خداوند رحمان نازل می‌گردد.»^۲

باری امید که با خواندن این کتاب، نفحات رحمانی بر جانتان وزیدن گیرد، آن نفحاتی که حضرت محمد ﷺ درباره آن می‌فرمایند:

«إِنْ لَوْ بُكِّمَ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفْحَاتُ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا لَعَلَّهُ أَنْ يُمْسِيَكُمْ نَفْعَةٌ مِنْهَا فَلَا تَشْقَوْنَ بَعْدَهَا أَبَدًا؛

در روزگار شما، بسا از سوی پروردگارتان نسیم‌هایی وزیدن گیرد، خویشتن را بر آن عرضه دارید، شاید شما را دریابد و پس از آن تیره بخت نگردد.»^۳

پس عزیزان خواننده با اندیشه و توجه در این داستان‌ها، امید که بر قلب مبارکتان، نسیم از این پروردگار وزیدن گیرد و اگر عزیزان از زمرة سخنرانان، اندرزگوین و غرض‌نویسان، توجه داشته باشند که برای جلب شنوندگان، داستان مربوط به موضوع سخن به ویژه این داستان‌های کوتاه نمک سخنرانی و دلنشین گردیدن سخنشان می‌باشد.

در آرزوی دعای خیر برای نویسنده و ناشر از مضرتان.

کریم محمود حقیقی

۱. غرر الحکم.

۲. زمخشری.

۳. کنز العمال.